

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۰۹ فبروری ۲۰۲۲

حمید انوری

صمد از هر کنجاره خواب می بیند!

صمد از هر، همان جاسوس شناخته شده، همان شکنجه گر بی رحم، همان قاتل خونریز و وحشی، همان پرچمی زیردار گریختگی، باز هم تلاش دارد تا اگر به نحوی امکان داشته باشد، جای پای خود را در رژیم طالبی باز کند و در کدام مدیریتی، کتابتی اگر برایش ارزانی کنند و یا اگر در کدام آمریت جاسوسی و یا امر به معروف و نهی از منکر، مامورک شکنجه گری از او بسازند و آموختگی های خود از "کی جی بی" رو سیه آن زمان و (FSB) کنونی را در اختیار طالبان قرار داده و به نان و نوائی برسد و...

این عجوبه تاریخ که دستان کثیف اش تا مرفق به خون هموطنان آزاده ما رنگین است، در هر رژیم و هر حکومتی تلاش کرد تا جای پای برای خود دست و پا کند، اما به فضل خداوند پاک که تیر زهر آلود او همیشه به سنگ خورد. او در این روزگار از راه های متفاوت و با نوشته های چتل خود، سخت در تلاش است تا طالبان برای او کدام چوکی گکی ارزانی نمایند. به این وجدان مرده و شرف باخته باید گوشزد کرد آنچه در سازمانهای جاسوسی رو سیه آموخته است، نه در آن زمان در کشور برباد داده شده ما کارائی داشت و نه هم هیچ زمان دیگر، اما چه باید کرد که این چشم پاره دیده در او و این وجدان مرده شرف باخته را نه گوش شنواست و نه هم ذره وجدان در وجود بی وجودش باقی.

او با نهایت دیده درائی و چشم سفیدی به طالبان نظر میدهد و به دو لسان دری و پشتو پیشکش میکند، تا گر یکی کارگر افتد و او را از فلاکت کنونی بدر آورد. باید به او گفت که اگر به شش لسان دیگر هم بنویسی و روی سپید کاغذ را چون روی کثیف خود سیه نمائی، خریداری ندارد، چون سابقه ننگین و خونین تو بر همه مردم مظلوم افغانستان آشکار و هویدا است، الا سایت افغان-جرمن آنلاین که کنترل آن قرار معلوم به دست رفقای پرچمی و زیردار گریختگی تو است که زیر سایه

درختی می نشینند که در آن جای شان سبز کرده است و چپ و راست جفنگ های تهوع آور ترا نشر میکنند و خوش هستند که تعداد مضامین شان از آن سایت پرچمی زده دیگر بیشتر است. یک نگاهی می اندازیم گنرا بر جفنگ های این وجدان باخته که درنگ دقیق را چتل نویسی های او ارزش ندارد و تلف کردن وقت است.

دو مطلب نو با حاکمیت طالبان

این عنوان به ذات خود، غلط اندر غلط اندر غلط است. بگفته شاعر:

" نامه های یار من یک سر غلط خط غلط، املا غلط، انشاء غلط"

... در این ارتباط می خواهم ناخوشنودی ژرف و اعتراض خود و شمار زیاد هموطنانم را ابراز بدارم- : این نا خورسندی به دلیلی است که تاکنون ملت افغانستان به این نام رای نداده و آن را به رسمیت نشناخته است؛ -خود طالبان هم اداره خود را موقت خوانده اند؛ -جهان نیز این نام را به رسمیت نمی شناسد... حاکمان موجود باید بدانند که اینها مسایلی نیستند که با زور و جبر تحمیل شوند. تغییر در اسناد اساسی و ارزش های بنیادی، به شمول بیرق ملی، از حیثه صلاحیت ایشان بیرون و به آرای ملت تعلق دارند. توصیه دوستانه من برای شان اینست بر آرزوها و تصامیم احساساتی شان تجدید نظر کنند.

به این شخص وجدان مرده پرچمی باید یادآوری شود که منظور او از "شمار زیاد هموطنانم چیست و آن "شماری زیادی هموطنان"، کی ها اند؟ آیا همه پرچمی های زیردار گریختگی اند، یا چطور؟ او علاوه میکند: "... تغییر در اسناد اساسی و ارزش های بنیادی، به شمول بیرق ملی، از حیثه صلاحیت ایشان بیرون و به آرای ملت تعلق دارند. توصیه دوستانه من برای شان اینست بر آرزوها و تصامیم احساساتی شان تجدید نظر کنند."

چرا این وجدان مرده در زمان قدرتمداری حزب منحلۀ خود و در زمان تجاوز ننگین رو سیۀ شوروی وقت، چنین اعتراضی نکرد؟! آیا حزب وطن فروش و جاسوس "حدخا"، اسناد اساسی و ارزش های بنیادی کشور را زیر و رو نکرد؟ آیا همان وطن فروشان "حدخا"، رنگ بیرق ملی را بدون نظر خواهی از مردم تغییر نداده و به رنگ سرخ روسی در نیآورد؟! آیا در آن زمان، آن تغییرات تهوع آور "احساساتی" نبود؟! در آن زمان صمد ازهر به کدام خواب خرگوش و یا خواب خرسی فرو رفته بود که حالا بیدار شده است؟!!

این ستاره های فوق از اداره سایت "افغان- جرمن آنلاین" است که یک قسمت جفنگ های صمدک از هر را سانسور کرده اند، که ایکاش همه اش را در باطله دانی می انداختند که وقت گرانبهای ما هم به هدر نمی رفت.

مطلب دوم :

"اداره هوانوردی شما اعلان کرد با قطر بر سر آغاز پروازهای منظم میان دو کشور به موافقه رسیده اند. این در تامین ارتباطات بیرونی و انکشاف اقتصادی ممد واقع می شود و مبارک ما باد." این قسمت دانسته نمی شود که صمد از هر خود را از جمع طالبان بشمار آورده است یا از جمع مردم افغانستان. در هر دو صورت این مردک خرفت و مالیخولیا، از هر دو جمع طرد شده است و هر دو جمع او را مایه ننگ و عار میدانند، الا سایت "افغان- جرمن" که مبارک شان باد.

"... ولی اگر امریکا هنوز هم می خواهد سرمایه های معنوی و ظرفیت های ما را به بهانه های مختلف از ما بگیرد، این دیگر قابل پذیرش نیست و جلوش باید گرفته شود..."

به این فرد بیمار روانی و قاتل جانی باید گفت که سرمایه های معنوی افغانستان را حزب منحلۀ شما، حزب منحلۀ خلق- پرچم، همه را نامردانه و سفاکانه از دم تیغ شقاوت شان کشیدند و ظرفیت های کشور را هم فدای تار موی اربابان شقاوت پیشۀ روسی شان کردند. آن زمان این دایه مربان تر از مادر در کدام گور بود که اکنون برخاسته است؟ چرا این جنایت پیشه و جاسوس و شکنجه گر، در آن زمان هیچ اعتراضی نکرد و خر مراد خود را چهار نعل میدواند و انقلاب برگشت ناپذیر گفته گلو پاره میکرد.

"... گفتند پوهنتون های کشور به علت برخورد های غیر مسوولانه و بی توجهی اولیای امور که منجر به فرار کدرها و ثروت های معنوی کشور در جریان مهاجرت کتلوی گردیده،..."

پوهنتون ها، محصلین، استادان و کدر های ورزیده در آن پوهنتون ها را در سالهای سیاه و خونین و ننگین کودتای نامیمون هفتم ثور ۱۳۵۷ و مرحله ننگین آن سیاه روز ششم جدی، روز تهاجم وحشیانه رو سیه شوروی به افغانستان، همه و همه یا در زندانها و شکنجه گاه های مخوف رژیم کودتا بند از بند بریده شدند، یا زنده زنده در گور های دسته جمعی دفن شدند، یا دسته جمعی گلوله باران شدند و...، کودتاچیان سفاک هفتم ثوری و دنباله روان مرحله ننگین آن، طی ده سال کودتا و تجاوز، همه و همه را قتل عام کردند و بعداً هم در تبنانی با تنظیم های "جهادی"، متباقی را بینی و گوش بریدند و چشم کشیدند و رقص مرده و رقص زنده بالای شان انجام دادند و هزار و یک وحشت و دهشت دیگر روا داشتند و دمار از روزگار مردم مظلوم افغانستان بدر آوردند. از آنهمه محصل

و استاد و کدر های تدریسی ورزیده، امروز دیگر اثری نیست که نیست. اگر کتاب "د خلق - پرچم د جنایاتو ژوندی اسناد" را اینجا نقل کنم که حاوی لیست شهیدان وطن با دستان خون آلود اعضای حزب منفور و مطرود خلق- پرچم است، بیشتر از ۳۰۰ صفحه است که از حوصله این مختصر خارج است. شرم تان باد که هنوز هم مقاله نویسی میکنید و نظر دهی و...

"... اما فراموش نکنید که به زودی از کرده پشیمان خواهید شد. شما که مسوولیت یک کشور در حال تحول را بر عهده گرفته اید، نمی توانید با کوتاه اندیشی و عدم علاقه به آموزش علوم پیشرفته و تکنالوژی مدرن این کشور را به شاهراه ترقی و گذار از احتیاج به وفرت و رفاه همگانی سوق دهید..."

عجب دنیائی است و عجیب دور و زمانه! پرچمی ها و خلقی های وجدان مرده و شرف باخته و بی همه چیز، کشوری را بر باد فنا دادند، مردمی را قتل عام کردند، هست و بود یک کتله عظیم را چور و غارت کردند و مملکتی را به یک ویرانه غم انگیز مبدل ساختند، بیش تر از شش میلیون هموطنان مظلوم ما را مجبور به ترک وطن آبائی شان نمودند و...، اما هرگز تا ایندم از کرده پشیمان نشدند که هیچ، بلکه با فخر هنوز هم داد از عدالت میزنند و چپ و راست طرح می ریزند، توطئه می کنند و با احمد و محمود و کلبی و مقصود، سازش و معامله و بالای خون افغان هنوز هم تجارت و...، اما به طالبان گوشزد میکنند که "به زودی از کرده پشیمان خواهید شد."، شما ها عجب پشیمان شدید، که طالبان شوند. خلقی و پرچمی و خادی پشیمان نشدند، تنظیمی و دیمکرات های غربی نشدند، طالبان نیز نمی شوند. هیچ کس نمی گوید که دوغ من ترش است و همه برف بام خود را به بام همسایه می اندازند. تا عدالت تطبیق نشود، همان آش خواهد بود و همان کاسه. اجرای عدالت را باید از جنایتکاران خلقی- پرچمی آغاز کرد و تا امروز ادامه داد. صمد ازهر باید اولین جنایتکار پرچمی باشد که به پنجه عدالت سپرده شود.

" آن رهبران شما که به جای پاسخگو بودن به خواست های مردم می گویند روزی رساندن به شما کار خداست نه از ما، روزی تان را از خدا بخواهید، به هیچ وجه لیاقت رهبری و تعیین سرنوشت مردم را ندارند."

این مردک مریض و وجدان مرده فراموش کرده است که در زمان قدرتمداری "حدخا"، گلو پاره میکردند که "کور- کالی- دودی"، در آن زمان نمی گفتند که در کار خدا مداخله میکنند و بجای "کور" برای مردم گور دادند و بجای "کالی"، کفن و بجای "دودی" هم گلوله و دود و باروت و گور های

دسته جمعی و...، پس آیا تره کی و ببرک و امین و نجیب، لیاقت رهبری و تعیین سرنوشت مردم را داشتند؟! را داشتند؟! را داشتند؟! را داشتند؟!

"...اگر می خواهید موفق باشید و جامعه شما را بپذیرد، به جای رنجش از این سخنان باید انتقاد پذیر باشید و به تجدید نظر کلی رو آورید."

پس دیده می شود که غرض از این طومار نویسی صمدک ازهر، راه و چاه نشان دادن به طالبان است و اینکه راز موفقیت شان در چه است. او در حقیقت به دنبال یک مشاوریت در دم و دستگاہ طالبان است. او چرا چنین سخنانی را به رهبران حزبی خود در آن زمان گفته نمی توانست و چرا چنان نکرد؟

برای این وجدان مرده شرف باخته باید گفت که اگر به دو زبان یا هم ده زبان چرند بنویسی، هنوز هم چرند است و در ماهیت آن هرگز تفاوتی به وجود نمی آید. طالبان افراد خون ریز و جاسوس و جاهل را در صفوف خود راه نمی دهند، بی فایده دستک و پایک نزن. ترا مردم افغانستان هم به عنوان یک افغان قبول ندارند، همان روسی بی آبرو که بودی، هنوز هستی و خواهی بود.



ردیف	نام و نام خانوادگی	تاریخ تولد	تاریخ وفات	علت وفات
۱	عبدالله صالح	۱۳۳۳ ه. ش	۱۳۷۸ ه. ش	کشته شد
۲	محمد داود	۱۳۳۳ ه. ش	۱۳۷۸ ه. ش	کشته شد
۳	عبدالله ربانی	۱۳۳۳ ه. ش	۱۳۷۸ ه. ش	کشته شد
۴	محمد داود	۱۳۳۳ ه. ش	۱۳۷۸ ه. ش	کشته شد
۵	عبدالله ربانی	۱۳۳۳ ه. ش	۱۳۷۸ ه. ش	کشته شد
۶	محمد داود	۱۳۳۳ ه. ش	۱۳۷۸ ه. ش	کشته شد
۷	عبدالله ربانی	۱۳۳۳ ه. ش	۱۳۷۸ ه. ش	کشته شد
۸	محمد داود	۱۳۳۳ ه. ش	۱۳۷۸ ه. ش	کشته شد
۹	عبدالله ربانی	۱۳۳۳ ه. ش	۱۳۷۸ ه. ش	کشته شد
۱۰	محمد داود	۱۳۳۳ ه. ش	۱۳۷۸ ه. ش	کشته شد



استقلال – خپلواکی: از گذاشتن لینک چرند های "صمد ازهر" خودداری گردید.